

بررسی ابعاد همکاری‌های ایران و چین و دلایل عدم شکل‌گیری روابط استراتژیک میان طرفین

حمید درج *

چکیده

هم‌اکنون ایران و چین به‌عنوان دو بازیگر تجدیدنظرطلب در عرصه بین‌الملل شناخته می‌شوند که ضمن مخالفت با نظام بین‌الملل تک‌قطبی، در تلاش برای ایجاد نظام چندقطبی و تغییر معادلات به نفع خود بر آمده‌اند و در این راستا؛ به توسعه همکاری‌ها و مناسبات همه‌جانبه مبادرت می‌ورزند. اما علی‌رغم تقویت روابط و توسعه همکاری‌ها، نقش‌آفرینی عوامل خارجی و داخلی از شکل‌گیری روابط استراتژیک میان ایران و چین ممانعت می‌ورزد. لذا سؤال اصلی پژوهش این است که ایران و چین برای توسعه همکاری‌ها چه اقداماتی را در پیش گرفته‌اند و دلایل عدم شکل‌گیری روابط استراتژیک میان طرفین در چیست؟ فرضیه مقاله این است که نارضایتی‌ها و مخالفت ایران و چین با نظم تک‌قطبی و هژمونی آمریکا، ظرفیت و امکان لازم را برای توسعه همکاری‌ها و همگرایی تهران و پکن فراهم می‌سازد. با این وجود، عوامل و متغیرهای خارجی و داخلی تأثیرگذار باعث شده است تا از شکل‌گیری یک الگوی مشخص و یکسان در روابط ایران و چین جلوگیری شود و این روابط شکل استراتژیک پیدا نکند. روش مورد استفاده در این نوشتار توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی

ایران، چین، همگرایی، روابط استراتژیک، نئورئالیسم.

*. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

hamid.dorj@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۹

طرح مسئله

چین نزدیک به دو دهه است که به صورت گسترده در اکثر پروژه‌های نفت و گاز ایران فعال بوده و انتظار می‌رود این همکاری‌ها در سال‌های آینده به دلیل نیاز طرفین به یکدیگر، در سطح گسترده‌تری ادامه داشته باشد. به دلیل وابستگی غیرقابل انکار سیاسی و امنیتی برخی دیگر از کشورهای غرب آسیا به ایالات متحده که برقراری روابط نظامی نزدیک‌تر را برای چین دشوار می‌کند. چین از آزادی عملی بسیار بیشتری در روابط نظامی با ایران برخوردار است که این امر می‌تواند اهرمی راهبردی در اختیار چین برای اعمال فشار بر ایالات متحده در منطقه قلمداد گردد. بنابراین، با توجه به اهداف و مزایای این همکاری برای دو کشور ایران و چین، باید اذعان کرد که تهران با مزایایی که از این همکاری به دست می‌آورد، می‌تواند از جایگاه چین در نظام بین‌الملل به خصوص در نهادهای بین‌المللی همچون؛ شورای امنیت در راستای مقابله با سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا استفاده کند و با بهبود شرایط اقتصادی در راستای همکاری با چین، به نحوی تحریم‌های واشنگتن را خنثی کند. همچنین، ایران در تلاش است تا در سطح منطقه با توجه به تجربه موفق همکاری با روسیه در بحران سوریه، با فعالیت‌های مشترک امنیتی با چین مانند؛ مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم، جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقاء بخشد و هرچه بیشتر تأثیرگذاری خود در منطقه و حمایت از شرکای راهبردی خود را گسترش دهد. در سطح منطقه‌ای نیز چین به دنبال افزایش توان بازیگری در مناطق تحت نفوذ آمریکا همانند؛ خاورمیانه می‌باشد تا از این طریق موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد که این موارد همگی باعث نزدیکی هر چه بیشتر ایران و چین و توسعه روابط و همکاری‌های این دو کشور در زمینه‌های مختلف خواهد شد. اگرچه این عوامل و مؤلفه‌ها زمینه همکاری‌ها و شکل‌گیری منافع مشترک را در ابعاد مختلف برای تهران و پکن فراهم می‌کند. اما همچنان برخی متغیرهای منفی و غیرسازنده به‌ویژه آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و همچنین حاکم شدن رویکردهای غرب‌گرایانه بر سیاست خارجی ایران وجود دارد که پکن را نسبت به بهبود بی‌پروای روابط همه‌جانبه با تهران بی‌میل می‌کند که این امر شکل‌گیری روابط و اتحاد استراتژیک میان ایران و چین را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. بنابراین می‌توان گفت؛ فشارهای ساختار آنارشیک بین‌الملل، رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند و بر نتایج بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. لذا سؤال اصلی پژوهش این است که ایران و چین برای توسعه همکاری‌ها چه اقداماتی را در پیش گرفته‌اند؟ و دلایل عدم شکل‌گیری روابط استراتژیک میان طرفین در چیست؟ روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت می‌گیرد. این نوشتار نیز، بر اساس نظریه نئورئالیسم شکل گرفته است. در خصوص سازماندهی این نوشتار باید گفت؛ ابتدا به

تاریخچه روابط ایران و چین خواهیم پرداخت. پس از آن به بحث پیرامون اهمیت منطقه‌ای ایران برای چین پرداخته شده است. در ادامه عوامل همگرایی ایران و چین در عرصه منطقه و بین‌الملل و همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های انرژی و نظامی - امنیتی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و در پایان عوامل تأثیرگذار بر عدم شکل‌گیری اتحاد استراتژیک میان ایران و چین و جمع‌بندی مباحث ارائه خواهد شد.

ادبیات و پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع همکاری‌ها و مناسبات ایران و چین، تاکنون کتب و آثار متعددی به زبان فارسی و انگلیسی انتشار یافته است که در ادامه صرفاً به چند نمونه از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، پرداخته می‌شود.

۱. جانسیز و پیرمحمدی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل الگوی همکاری استراتژیک در روابط جمهوری اسلامی ایران و چین» ادعان دارند که عوامل فرهنگی و هویتی به همان اندازه که زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی مشارکت استراتژیک در روابط ایران و چین می‌باشد؛ به میزان مشابهی نقشی تعیین‌کننده در تحدید همکاری‌های استراتژیک دو طرف دارد. نقطه قوت مقاله بحث در زمینه تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی بر توسعه و تحدید روابط ایران و چین است و نقطه ضعف آن نیز نپرداختن به تأثیر عوامل واقع‌بینانه، عمل‌گرایانه و منفعت‌محور بر مناسبات دو کشور می‌باشد که مقاله حاضر تلاش دارد تا آن را نیز برجسته سازد.

۲. علایی‌پور و کاشیان (۱۴۰۱)، در پژوهشی با نام «تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری با چین»، استدلال می‌کنند که افزایش رابطه تجاری ایران و چین در بستر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قابل توجیه است. نقطه برجسته مقاله پرداختن به بحث تأثیرگذاری ابعاد نرم قدرت بر روابط ایران و چین است؛ ولی عدم ورود به بحث همکاری‌های نظامی و امنیتی طرفین از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود که پژوهش حاضر در صدد واکاوی ابعاد آن است.

۳. کندیت^۱ و اکبرزاده (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با نام «قدرت بزرگ - دینامیک قدرت میانه: مورد چین و ایران» بیان می‌دارند که الگوی روابط چین و ایران از منطق رابطه نامتقارن میان قدرت‌های بزرگ و متوسط پیروی می‌کند. در این نوع روابط قدرت بزرگ نفع بیشتری می‌برد؛ اما ابتکار «یک کمربند - یک راه»، فرصتی برای متعادل‌تر شدن رابطه چین و ایران فراهم کرده است. نقطه قوت مقاله پرداختن به

1. Conduit.

تأثیرگذاری ابعاد قدرت نرم بر توسعه مناسبات اقتصادی ایران و چین است و نقطه ضعف آن عدم پرداختن به جنبه‌های سخت قدرت و همکاری‌های نظامی دو کشور است که موضوع این پژوهش نیز می‌باشد.

۴. ودنا^۱ (۲۰۱۶)، در پژوهش خود تحت عنوان «ایجاد مشکلات بدون اتحاد: روابط چین و ایران پس از توافق هسته‌ای»، استدلال می‌کند که به‌رغم افزایش همکاری اقتصادی و دیپلماتیک چین با ایران در پس‌ابرجام، اما همکاری ژئوپلیتیکی نزدیک بین طرفین بعید به نظر می‌رسد. نویسنده مقاله از پرداختن به همکاری‌های امنیتی ایران و چین و مبارزه آنها با تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی غفلت ورزیده است. امری که موضوع مورد بحث پژوهش حاضر نیز می‌باشد.

چارچوب نظری: نظریه نئورئالیسم

نواقح‌گرایان، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل را موجب بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر می‌دانند. آنها همواره از خطر حمله و تجاوز دیگران در ترس و هراسند. از این رو، مهم‌ترین عاملی که کشورها را به امنیت‌طلبی در رفتار خود وا می‌دارد، عدم اعتماد و اطمینان از انگیزه‌ها و نیات دیگران است (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۲۹ - ۸۲۸). نواقح‌گرایان چنین استدلال می‌کنند که آنارشی دولتها را وادار می‌سازد تا قدرت و نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند و با توجه به اینکه امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هرگز قطعی نیست. دولتها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود امنیت خویش را به حداکثر برسانند. در نظر نواقح‌گرایان، نسبت به همکاری، حوزه‌هایی از منافع مشترک و متقابل وجود دارد که می‌توان بر اساس آن همکاری کرد، ولی همواره معتقدند که یافتن چنین حوزه‌های کاری سخت بوده و به راحتی نمی‌توان مبنایی برای همکاری و نهادهایی، ایجاد کرد. بنابراین، همواره نگران عدم پایبندی و تقلب برخی دولتها هستند (اصل جوادیان و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۱). والتز معتقد است که در فضای آنارشیک، امکان همکاری بسیار محدود است. با وجود اینکه ممکن است دولتها از همکاری سود اقتصادی هم ببرند؛ اما دولتها همواره نگران سود بیشتر دیگران هستند. آنچه اهمیت بیشتری دارد دستاوردهای نسبی است که اگر به زیان آنها باشد مانع همکاری می‌شود. هیچ دولتی نمی‌خواهد طرف مقابل از رابطه و همکاری موجود بیشتر از خود او سود ببرد؛ زیرا در این صورت در بلندمدت موازنه میان آنها به هم می‌خورد و قدرت یکی نسبت به دیگری بیشتر می‌شود. (درآینده و دیگران، ۱۳۹۸: ۶) بر این اساس می‌توان گفت؛ چین اکنون به‌عنوان برجسته‌ترین و مؤثرترین قدرت رو به رشد آسیا و اقیانوسیه در موازنه بین‌المللی قدرت شناخته می‌شود. با توجه به

1. Wuthnow.

نیاز پکن به منابع انرژی خلیج فارس، ایران از اهمیت بالایی در سیاست انرژی چین، در خلیج فارس برخوردار است که این امر زمینه همگرایی و توسعه همکاری‌ها و روابط رو به رشد تهران - پکن را فراهم نموده است. افزون بر این، چین و ایران هر دو یکدیگر را به‌عنوان شرکای کلیدی در نظر می‌گیرند تا آنچه را که به‌عنوان یک‌جانبه‌گرایی آمریکا قلمداد می‌کنند، متعادل کنند و از این طریق، زمینه استقرار نظام چندقطبی و افزایش نفوذ و قدرت خود را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کنند. با این حال، در کنار تأثیرپذیری فرایند سیاست‌گذاری خارجی ایران از نگرش‌های غرب‌گرایانه، وجود و تأثیرگذاری عوامل و متغیرهای غیرسازنده‌ای، مانع از شکل‌گیری روابط استراتژیک میان این دو بازیگر کلیدی شده است.

پیشینه روابط سیاسی ایران و چین

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سفر هیئت بلندپایه چین به سرپرستی مائو تسه‌تونگ، رهبر وقت چین، به تهران فصل جدیدی در روابط ایران و چین گشوده شد و دو کشور به توسعه همکاری‌های همه‌جانبه مبادرت ورزیدند. با آغاز جنگ ایران و عراق، اهمیت چین برای رهبران ایران بیش از پیش آشکار شد. رهبران سیاسی ایران برای تأمین جنگ‌افزارهای خود و گریز از تحریم‌های بین‌المللی، چین را بیش از پیش حائز اهمیت می‌یافتند و پکن نیز به نوبه خود با حمله شوروی به افغانستان بار دیگر دچار کابوس گسترش نفوذ شوروی شده بود؛ بنابراین ایران را شریک منطقه‌ای بسیار حائز اهمیت، تلقی می‌کرد (حامی کلوانق، ۱۳۹۰: ۲۵۹). سقوط اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، به منزله روندی محسوب می‌شود که ماهیت همکاری استراتژیک ایران و چین را تحت تأثیر قرار داد. گرچه تحول یاد شده، تردیدهایی را در خصوص منطق امنیتی لازم برای نزدیکی روابط دو کشور به وجود آورد؛ اما پیامدهای ساختارهای ناشی از فروپاشی شوروی به‌ویژه ارتقای چشمگیر موقعیت ایالات متحده در نظام بین‌الملل پس‌اجنگ سرد، زمینه‌های لازم را برای تقویت رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران و در رأس آن چین فراهم نمود (جانسیز و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۰۳ - ۱۰۲). در اواسط دهه ۲۰۰۰ میلادی، هنگامی که ایالات متحده و شرکای آن در تلاش برای اعمال تحریم‌ها به منظور تلاش برای محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران بودند. چین از طریق فراهم آوردن کمک اقتصادی، ایجاد یک کانال مستقیم به شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز حمایت نظامی، به تضعیف تلاش‌های آمریکا پرداخت (محمودی کیا، ۱۳۹۸: ۱۵). اگرچه چین از قطعنامه شورای امنیت

1. Mao - Hua Wang's.

سازمان ملل متحد علیه ایران در ۲۰۱۰ میلادی، حمایت کرد، با این حال به تعامل خود با جمهوری اسلامی ادامه داد. بهرغم خروج شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان بین‌المللی از ایران، کالاها و خدمات چین به سمت بازار ایران سرازیر شد. ایرانی‌ها از ادامه همکاری‌های چین در زمانی که به جز چین و روسیه، کشور دیگری حاضر به تعامل با ایران نبود، استقبال کردند. روابط دوجانبه با اعلام سیاست یک کمر بند - یک راه از سوی پکن، افزایش یافت. طرحی که ایران در آن نقش مهمی ایفاء می‌کند (Esfandiary And Tabatabai, 2018: 4).

مقطع زمانی بعد از برجام را می‌توان سرآغاز دوران جدیدی در روابط استراتژیک چین و ایران دانست. بازدید شی جین پینگ^۱، رئیس‌جمهور چین، از ایران در نخستین روزهای اجرای برجام و امضای اعلامیه مشارکت راهبردی فراگیر در سال ۱۳۹۴ از سوی رؤسای جمهور دو کشور به‌عنوان نقطه عطفی در روابط دو کشور محسوب می‌شود (جانسیز و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۰۳). در مارس ۲۰۲۱، محمد جواد ظریف و وانگ یی^۲، وزیر امور خارجه ایران و چین، توافق‌نامه‌ای را در مورد مشارکت جامع استراتژیک برای مدت ۲۵ سال در تهران امضاء کردند. در این توافق‌نامه، بر توسعه همه‌جانبه روابط دو کشور در ۲۰ حوزه مختلف، از جمله حوزه سیاسی، تأکید شده است (Tashjian, 2022: 4). با سفر ژنرال وی فنگه^۳، وزیر دفاع چین، به تهران در ۲۷ آوریل ۲۰۲۲ و دیدار و گفت‌وگو با ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، هر دو طرف نیز بر تعمیق بیشتر همکاری‌ها و توسعه روابط همه‌جانبه توافق کردند. فنگه بیان داشت: «تقویت روابط بین ایران و چین همواره و به‌ویژه در شرایط بحرانی و ناآرام کنونی جهان برای منطقه و جهان امنیت‌آفرین است. حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران که در ۱۴ ژانویه ۲۰۲۲ به چین سفر کرده بود، در مقاله‌ای که در گلوبال تایمز منتشر شد؛ نیز ابراز امیدواری کرد که دو کشور به روابط دیپلماتیک نیم قرن خود ادامه دهند و به پیشبرد همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف ادامه دهند (Caiyu And Yuandan, 2022: 4). بدین ترتیب می‌توان گفت؛ روابط ایران و چین در سال‌های اخیر به‌ویژه در حوزه اقتصادی، با سرعت بالایی گسترش یافته است، به‌طوری‌که اقتصاد چین در سال‌های اخیر به بزرگترین شریک تجاری ایران تبدیل شده است. از سویی، تحریم‌های جبهه غرب بر علیه ایران و تشدید آنها در سال‌های اخیر و همچنین افزایش چالش‌های روابط تجاری چین و آمریکا، سبب گردیده که چین به اصلی‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شود. از آن‌جا که قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی چین به‌طور روزافزون در حال گسترش است؛ توسعه روابط تجاری با این کشور در سال‌های آتی اهمیت

1. Xi Jinping.
2. Wang Yi.
3. Wei Feng He.

بسیار بیشتری برای اقتصاد ایران خواهد داشت. اراده سیاسی دو کشور ایران و چین برای انعقاد قراردادهایی در چارچوب تفاهم‌نامه بلندمدت همکاری دو کشور می‌تواند زمینه را برای توسعه روابط ایران و چین به‌ویژه در حوزه انرژی فراهم نماید؛ به‌ویژه اینکه تنش اخیر بین آمریکا و چین بر سر تایوان شکاف سیاسی بین پکن و واشنگتن را تعمیق نموده و چین به‌دنبال دستیابی به بازارهای جدید جهت حفظ و ارتقای قدرت رقابت با آمریکا است که این امر با توجه به ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه می‌تواند به توسعه مناسبات همه‌جانبه تهران و پکن کمک شایانی بخشد.

جایگاه راهبردی ایران در سیاست منطقه‌ای چین در خلیج فارس

اهمیت یافتن ایران در تأمین منابع انرژی، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک این کشور سبب تقویت رویکردی در چین با عنوان «استراتژی نگاه به سوی مرزهای غربی»، شده است. در این رویکرد، ایران از نظر استراتژیک میان دو منطقه غنی نفتی، خلیج فارس و دریای خزر واقع شده است؛ منطقه‌ای که چینی‌ها از آن به‌عنوان «جاده ابریشم انرژی» نام می‌برند. منطقه خلیج فارس تقریباً ۵۵ درصد ذخایر نفتی اثبات شده جهان و ۴۱ درصد ذخایر گازی را دارد. ذخایر نفتی اثبات شده منطقه خزر نیز حدود ۱/۸ تا ۳/۳ درصد مجموع ذخایر جهانی است که این میزان می‌تواند در آینده بین ۹ تا ۱۶ برابر نیز افزایش یابد. بنابراین، موقعیت بی‌نظیر ایران در این ناحیه می‌تواند چین را در تأمین منابع نفتی از سوی مرزهای غربی خویش یاری کند (Hunter, 2010: 113). از دیدگاه پکن، ایران به‌عنوان یک شریک استراتژیک مهم و اهرمی در برابر ایالات‌متحده عمل می‌کند. ایران دارای ذخایر فراوان نفت و گاز طبیعی است که می‌تواند به توسعه چین کمک کند و ایران همچنان یک بازار روبه‌رشد برای کالاهای چینی است. علاوه بر این، ایران قفل شده با درگیری‌های ایالات‌متحده، فرصت منحصر به فردی برای گسترش نفوذ چین در غرب آسیا را فراهم می‌کند و می‌تواند نظامیان ایالات‌متحده را در خلیج فارس به‌طور کامل متوقف کند؛ به‌طوری‌که چرخش به سمت اقیانوس آرام (پاسیفیک) سخت‌تر می‌شود (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۹ - ۱۰۸). نزدیکی ایران به اقیانوس هند این امکان را فراهم می‌سازد که چین در مسیر دریایی طرح کمربند و جاده نیز، از موقعیت ایران کمک بگیرد. ایران ۱۵ همسایه دارد و موقعیت جغرافیایی آن به صورتی است که قابلیت تبدیل به مرکز تجاری منطقه غرب آسیا را دارد. بندرهای با قابلیت پهلو گرفتن کشتی‌های بزرگ تجاری و راه‌های ریلی و جاده‌ای گسترده در داخل کشور، از مهم‌ترین ظرفیت‌های ارتباطی ایران هستند و ایران می‌تواند مسیری امن و سریع برای انتقال کالا از جنوب به شمال و از شرق به غرب باشد. (گوهری‌مقدم و انصاری‌بارده، ۱۴۰۰، ۲۲۴ - ۲۲۳)

تصویر شماره ۱: نقشه موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران (همشهری آنلاین، ۱۲ مهر ۱۳۹۸)



در تفکر استراتژیک چین، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت در حال خیزش و باثبات تلقی می‌شود که به واسطه بهره‌مندی از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک، می‌تواند سهم ویژه‌ای را در پیاده‌سازی راهبردهای سیاست خارجی چین ایفاء نماید. از این رو، چین مناسبات نظامی و دفاعی چشمگیری را با ایران دنبال کرده است. از دیدگاه رهبران چین، کمک به توسعه قابلیت‌های نظامی ایران به واسطه مقابله با سلطه آمریکا در خاورمیانه، واجد اهمیت راهبردی خواهد بود. به عبارت بهتر، یک ایران مجهز به سخت‌افزارهای نظامی نسبتاً پیشرفته سهم ویژه‌ای در تحقق رسالت چین به منظور ممانعت از تسلط ایالات متحده بر منطقه خاورمیانه و همچنین منحرف ساختن تمرکز آمریکا از منطقه پاسیفیک خواهد شد (Harold And Nader, 2012: 18).

عوامل همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و چین

ایران و چین، در زمره دولت‌های تجدیدنظرطلب در نظام بین‌الملل کنونی به شمار می‌روند و همین موضوع سبب پیوستگی دو کشور در بسیاری از حوزه‌های موضوعی گردیده است. رهبران دو کشور، روایت‌های تاریخی که نظام بین‌الملل را ناعادلانه و تحت سلطه قدرت‌های غربی به رهبری آمریکا می‌دانند، پذیرفته‌اند. افزون بر این، دو کشور هیچ‌گاه با یکدیگر وارد جنگ نشده‌اند و چین هیچ‌گونه جاه‌طلبی امپریالیستی در ایران نداشته است. بر همین مبنا، برخی معتقدند؛ برداشت و رویکرد چین نسبت به ایران، در ادراک این کشور از ایالات متحده به عنوان یک رقیب ژئوپلیتیکی و نظامی ریشه دارد (Harold And Nader, 2012: 2). نئورئالیست‌ها معتقدند؛ زمانی که ساختار نظام بین‌الملل، به سمت امپراطوری پیش می‌رود دولت‌هایی که در معرض سیاست‌های هژمون قرار می‌گیرند برای بقاء در سیستم آنارشیک و نیز حفظ منافع خود به همدیگر نزدیک شده و تشکیل ائتلاف می‌دهند (Waltz, 2010: 65).

به همین خاطر است که در صف‌بندی‌های بین‌المللی شکل گرفته در قبال خیزش‌های اخیر خاورمیانه، ایران و چین در کنار روسیه با ایجاد یک ائتلاف تاکتیکی در مقابل اتحاد برآمده از کشورهای غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها قرار گرفته‌اند و اهداف و سیاست‌های آنها را با چالش روبه‌رو کرده‌اند. ایران و چین نگرش مشترکی به نظام فعلی جهان دارند؛ هر دو با سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و نظام تک‌قطبی جهان مخالف‌اند و از نظام چندقطبی حمایت می‌کنند؛ چرا که آنها در یک نظام چندقطبی آزادی عمل بیشتری خواهند داشت (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۴۹) و از هژمونی‌گرایی آمریکا احساس خطر و تهدید می‌کنند که این امر باعث صف‌آرایی ایران، چین و روسیه در مقابل آمریکا و غرب و قرا گرفتن آنها در یک بلوک واحد، جهت کاهش یک‌جانبه‌گرایی و ایجاد نظم بین‌المللی چندقطبی شده است. لذا همکاری‌های ایران و چین در سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حمایت چین از ایران در بحران هسته‌ای و همکاری دو کشور در بحران‌های خاورمیانه را می‌توان بر مبنای موضع آنان نسبت به نحوه توزیع قدرت بین‌المللی قلمداد کرد.

یکی از مسائل مهم دیپلماتیک برای رهبران چین، تضمین ثبات و امنیت انرژی است و امنیت انرژی در شرایط موجود، یکی از چالش‌های راهبردی فراروی جمهوری خلق چین است. در چنین شرایطی، بدیهی است که ایران به‌عنوان کشوری که دست کم ۱۰ درصد نفت و ۱۶ تا ۱۷ درصد ذخایر گازی دنیا را دارد، می‌تواند به صورت بالقوه پس از عربستان سعودی نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی برای چین داشته باشد که این امر می‌تواند موجبات نزدیکی و همگرایی ایران و چین را در موضوعات مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورد (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰: ۹۶). از دیگر سو، ظهور اتصالات دیجیتال، ماهیت مناقشه و رقابت‌های بین‌المللی را تغییر داده است. با توجه به اینکه «آژانس امنیت ملی آمریکا» جنگ سایبری هدفمندی را علیه اهدافی از تأسیسات هسته‌ای ایران گرفته تا شبکه‌های فرماندهی چین، انجام می‌دهد، دو کشور ایران و چین نیز برای همکاری در راستای خنثی‌سازی نسبی تهدیدات سایبری، انگیزه و دلایل مشترکی در این قلمرو خواهند داشت. افزون بر این، دو کشور در خصوص مسئله حقوق بشر، عدم گسترش تسلیحات موشکی و کشتار جمعی و نیز سیاست‌های مربوط به سلاح‌های هسته‌ای، تسلیحات شیمیایی و میکروبی نظرات مشترک دارند (رضائی و وثوقی، ۱۳۹۶: ۳۴). لذا همکاری راهبردی ایران و چین در بلندمدت می‌تواند به شکل‌گیری نظم بین‌المللی چندقطبی کمک کند و منجر به شکل‌گیری معادلات پساآمریکایی در عرصه منطقه و بین‌الملل شود. این تحولات، باعث می‌شود تا نظم و موازنه قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه در راستای منافع و اهداف ایران و چین شکل بگیرد و زمینه همکاری و همگرایی هر چه بیشتر تهران و پکن فراهم گردد.

سازمان همکاری شانگهای نیز، یکی از نمادهای مهم عینی همپوشی در سیاست خارجی ایران و

چین به شمار می‌آید. حضور مشترک دو کشور، در سازمان همکاری شانگهای با وجود فقدان حق رأی ایران در این سازمان، می‌تواند به صورت بالقوه زمینه‌ای مناسب و سازنده برای گسترش اشتراکات و روابط دو کشور تلقی شود و حتی جمهوری خلق چین می‌تواند از وجود ایران به‌عنوان برگ برنده‌ای در برابر سیاست‌های آمریکا در قبال تایوان بهره‌برداری کند؛ به‌گونه‌ای که به هر میزان که چالش‌های آمریکا و چین در زمینه مسئله تایوان تشدید شود؛ فضا برای مانور و نزدیکی ایران به چین بیشتر خواهد شد (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰: ۹۷). نکته اساسی اینکه ایران در اجلاس بیست و دوم سران شانگهای که در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در سمرقند پایتخت ازبکستان برگزار شد؛ بیش از ۴۰ سند را امضاء کرده و به عضویت دائم این سازمان درآمد. اگرچه ایران بنا به دلایل و ملاحظات حقوقی و فرآیند زمان بر ترجمه، مطالعه و بررسی، انطباق و تصویب اسناد و پروتکل‌های سازمان همکاری شانگهای، دست کم تا پایان سال ۲۰۲۴ یا ۲۰۲۵ میلادی «عضو ناظر و بدون حق رأی» در این سازمان باقی خواهد ماند؛ اما ایران در فرایند عضویت دائم در این نهاد، رژیم نوپدید مقابله با تهدیدات نوین امنیتی در جغرافیای این نهاد را مورد پذیرش قرار می‌دهد و به الزامات اجرایی آن در قالب مشارکت در ساختار منطقه‌ای مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی پایبندی نشان خواهد داد. افزون بر این، با تصویب سایر اسناد امنیتی و سیاسی، حداقلی از روابط سیاسی باثبات میان ایران و سایر اعضای سازمان، شکل خواهد گرفت. همچنین عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای زمینه را برای قاعده‌مندی حداقلی روابط اقتصادی این کشور با سایر اعضای سازمان فراهم خواهد آورد (شریعتی‌نیا، ۱۴۰۱: ۵۲ - ۵۱). از این رو، همکاری و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند عامل مهمی در رفع تهدیدات تروریستی از جمله؛ داعش و سایر گروه‌های افراطی در آسیای میانه و غرب آسیا باشد؛ زیرا کشورهای عضو شانگهای درک مشترکی از تهدیدات تروریستی در این مناطق دارند و این تهدید مشترک می‌تواند عاملی مهم برای نزدیکی و همکاری ایران و چین در مبارزه با تروریسم تلقی شود.

تلاش ایران و چین برای توسعه همکاری‌ها

در حوزه نفت و گاز

رشد سریع اقتصادی چین و ادامه گسترش تولیدات صنعتی آن، تقاضا برای انرژی و مواد خام را سخت افزایش داده است. مصرف انرژی در این کشور، به قدری زیاد است که از آن به «ازدهای نفتخوار» تعبیر کرده‌اند. با توجه به اینکه خاورمیانه و خلیج‌فارس در کانون بین‌المللی انرژی قرار دارند، چین در سال ۲۰۰۴ حدود ۵۴ درصد نفت مصرفی خود را از این منطقه وارد کرده است. پیش‌بینی کمبود انرژی در

بررسی ابعاد همکاری‌های ایران و چین و دلایل عدم شکل‌گیری روابط استراتژیک میان طرفین □ ۱۴۱

چین، به سرعت در حال رشد است و آژانس بین‌المللی انرژی تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، چین نیازمند است تا ۷۵ درصد انرژی خود را وارد کند (سلیمی و رحمتی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۳۹). در این رابطه، ایران به دلیل دارا بودن ذخایر نفت و گاز در دو موقعیت راهبردی یعنی خلیج فارس و دریای خزر و همچنین عدم روابط گسترده با غرب و به‌ویژه آمریکا، نسبت به بقیه کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه بیشتر مورد توجه چین به‌عنوان شریک انرژی قرار گرفته است. ایران با ذخایر تثبیت شده نفتی ۲۰۸ میلیارد بشکه‌ای جایگاه سومین کشور نفتی جهان و با منابع تثبیت شده گازی ۳۳/۴ تریلیون متر مکعبی جایگاه دومین و به نقل از آخرین گزارش بریتیش پترولیوم جایگاه اولین کشور گازی جهان را دارا است. از همین رو، جفری کمپ^۱ این کشور را قلب بیضی انرژی جهان می‌داند که قدرت تعیین‌کننده‌ای را در بازار انرژی جهانی دارد (پوراحمدی میبیدی و پهلوانی، ۱۴۰۰: ۲۳).

تصویر شماره ۲: هارتلند ژئوپولیتیک انرژی جهان (خواجه و صفوی‌همامی، ۱۴۰۰: ۱۷۶)



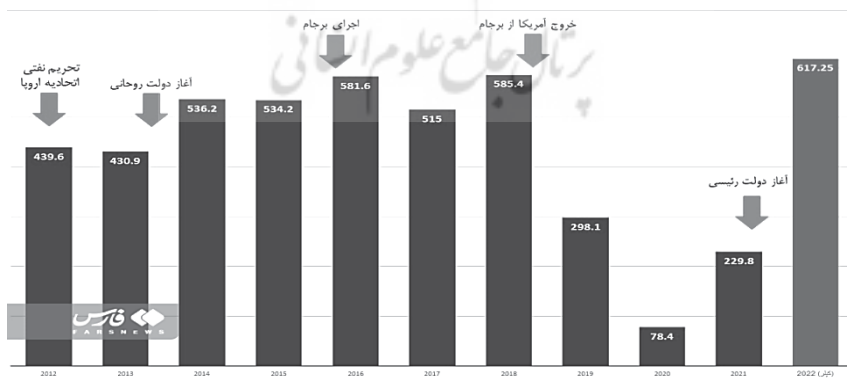
از آغاز دهه ۲۰۰۰ و با افزایش فشارها از سوی غرب به ایران برای تحریم و عدم سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و توسعه میادین نفت و گاز، حضور چین در این حوزه پررنگ‌تر شد. مهم‌ترین ابتکارات دو طرف در این زمان به‌ویژه در حوزه نفت و گاز که تا حد زیادی نیز ناشی از سیاست متنوع‌سازی منابع انرژی توسط چین بود؛ شامل محورهایی مانند؛ امضای موافقتنامه با شرکت دولتی ژوهای ژنونگ^۲ در مارس ۲۰۰۴ برای خرید بیش از ۱۱۰ میلیون تن گاز طبیعی در مدت ۲۵ سال با ارزش تقریبی ۲۰ میلیارد دلار، یادداشت تفاهم میان شرکت ملی نفت دو کشور برای توسعه میدان نفتی آزادگان، موافقت‌نامه سال ۲۰۰۱ با شرکت ملی نفت چین برای جایگزینی با شرکت توتال فرانسه برای توسعه فاز

1. Geoffrey Kemp.
2. Zhuhai Zhenong.

یازده میدان گازی پارس جنوبی، موافقت‌نامه اکتبر ۲۰۰۴ میان شرکت ملی نفت ایران و سینوپک^۱ با هدف مشارکت شرکت چینی در توسعه میدان نفتی یادآوران و در مقابل فروش ۱۵۰ هزار بشکه‌ای نفت ایران به چین می‌شود (Ghafouri, 2009: 88). همچنین در دسامبر ۲۰۰۶ میلادی، شرکت‌های چین، قراردادی به ارزش ۶ میلیارد دلار برای گسترش مرکز عظیم گاز پارس شمالی با ایران به امضاء رساندند. چین که در دوران تحریم با خرید حدود ۴۰۰ هزار بشکه نفت در روز، بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران بود؛ پس از رفع تحریم‌ها میزان واردات نفت را از این کشور افزایش داد. روند واردات نفت چین از ایران از زمان اجرای برجام، روندی افزایشی داشته است. البته به دلیل تفاوت نیاز پالایشگاه‌ها در ماه‌های مختلف سال، در میزان صادرات به صورت ماهانه نوسان‌هایی وجود دارد. بر این اساس، وزارت نفت ایران به نقل از خبرگزاری رویترز اعلام کرد: «واردات نفت خام چین از ایران در ماه ژوئیه ۲۰۱۷، با ۰/۴۵ درصد افزایش سالانه به ۵۶۸ هزار و ۷۲۰ بشکه در روز رسیده است (آدابی و کیانی، ۱۳۹۷: ۱۸۱).

ایران در ژانویه ۲۰۲۰، روزانه تنها امکان تولید ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه نفت را داشت که؛ ۲۵۰ هزار بشکه آن را نیز به چین صادر کرد (سادات‌الوند و حیدری، ۱۴۰۰: ۱۲۶). همچنین در سال ۱۴۰۰ ارزش صادرات نفتی ایران به چین بالغ بر شش و نیم میلیارد دلار بوده است (شفیعی، ۱۴۰۱: ۱۹۵). از سویی، بر اساس قرارداد ۲۵ ساله دو کشور، چین در ازای عرضه ثابت و با تخفیف شدید نفت از ایران، ۴۰۰ میلیارد دلار در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری خواهد کرد. مقامات ایرانی مدعی شدند که به‌عنوان بخشی از احیای ابتکار «یک کمربند - یک جاده» چین، این توافق شامل ۲۸۰ میلیارد دلار برای توسعه بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران و سرمایه‌گذاری ۱۲۰ میلیارد دلاری دیگر برای ارتقای زیرساخت‌های حمل‌ونقل و تولید ایران است (Tashjian, 2022: 6). که این امر می‌تواند نقش‌آفرینی ایران را در این ابر پروژه چینی، پررنگ‌تر و توسعه بخشد.

نمودار شماره ۱: میزان صادرات نفت ایران به چین (رجانیوز، ۲۱ تیر ۱۴۰۱)



ایران در شرایط کنونی حدود ۱۴ درصد از کل واردات نفت چین را به خود اختصاص داده و بیش از ۱۰۰ شرکت چینی در حال انجام پروژه‌ها در ایران هستند که بیشتر آنها در توسعه بنادر، فرودگاه‌ها و نفت و گاز مشغول فعالیت هستند. چین، امیدوار است به‌عنوان شریک بزرگ و راهبردی در اکتشاف، حفاری، مواد شیمیایی، باقی مانده و شرایط خود را بهبود بخشد (یزدانی و اکبری‌ان، ۱۳۹۱: ۳۳۰). بدون تردید در چارچوب سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین این ارقام به سرعت سیر صعودی پیدا خواهد کرد. با توجه به این شاخص‌ها، ایران می‌تواند کاندیدای یک مشارکت استراتژیک برای چین باشد و توافق نامه ۲۵ ساله نمود مهمی از این ادعا به شمار می‌رود.

در حوزه نظامی و امنیتی

دو کشور ایران و چین در حوزه نظامی و تسلیحاتی نیز همکاری‌های نسبتاً بالایی دارند. تاریخ روابط و همکاری‌های نظامی چین و ایران به زمان جنگ هشت ساله ایران با عراق باز می‌گردد؛ زمانی که ایران تحت تحریم شدید تسلیحاتی قرار داشت و متعاقباً تهران در تلاش برای یافتن تأمین‌کننده‌ای نظامی بود که بتواند تجهیزات نظامی لازم برای جلوگیری از حملات عراق را در اختیار بگیرد. در این دوره، چین برای حفظ توازن قوای منطقه‌ای به تهران تجهیزات نظامی داد؛ به‌گونه‌ای که نه آمریکا و نه اتحاد جماهیر شوروی نتوانند بر منطقه غرب آسیا چیره شوند (Ghorbani And others, 2021: 302). از اوایل دهه ۱۹۹۰، چین و ایران به‌عنوان دو تمدن باستانی آسیایی، به دلایل مختلف سطوح مختلفی از روابط نظامی را در قالب اقدامات قدرت‌سازی مانند: تعاملات نیمه‌منظم در سطح بالا، مانورهای نظامی مشترک و بازدید از بندر ایجاد کردند. دلایل تعمیق روابط نظامی دو کشور را می‌توان به عوامل مختلفی از جمله نیاز روزافزون ایران به تسلیحات چینی، حمایت ویژه چین از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و ارائه خدمات نظامی توسط شرکت‌های خصوصی و دولتی چین نسبت داد. شرکت‌های چینی به ایران به منظور ارتقای قابلیت‌های فناوری سامانه‌های موشکی بالستیک این کشور از نظر بُرد و کشندگی خدمات می‌دهند. در واقع، تلاش برای مشارکت در زمینه‌های مختلف از جمله؛ به اشتراک‌گذاری اطلاعات و ایجاد امنیت در مواجهه با یکجانبه‌گرایی آمریکا و مقابله با پیامدهای فرامرزی فعالیت‌های سازمان‌های بنیادگرا و تروریستی، یکی دیگر از ابعاد همکاری‌های نظامی دوجانبه پکن و تهران است (Ghorbani And others, 2021: 282). در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ میلادی، سرلشکر فیروزآبادی، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح ایران، در تهران میزبان دریاسالار «سان جیانگو»^۱، جانشین رئیس ستاد کل ارتش جمهوری خلق چین، بود و دو طرف یک

1. Sun Jianguo.

تفاهم‌نامه نظامی امضاء کردند. پیش‌نویس این تفاهم‌نامه در زمینه‌های دفاعی، آموزشی، فنی، اطلاعاتی، سایبری و مبارزه با تروریسم بود. (رضائی و وثوقی، ۱۳۹۶: ۳۱ - ۳۰)

در سال ۲۰۱۹ میلادی، در بحبوحه تنش‌های خلیج فارس و در شرایطی که آمریکا ابتکار ائتلاف دریایی بزرگ را در سر می‌پروراند؛ چین با همکاری روسیه و همراهی با ایران، مانور نظامی بزرگی که رسماً «کمر بند امنیتی دریایی» نامیده می‌شد، در دریای عمان برگزار کردند. چین در آن مقطع از پیشنهاد روسیه «مبنی بر دکترین امنیتی منطقه خلیج فارس» و تأمین امنیت جمعی حمایت کرد. این دکترین نیز، به نوعی با ایده پیشنهادی «ابتکار صلح هرمز» ایران، هم‌راستا بود که بر اساس آن خودداری از استقرار نیروها و پایگاه‌های نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس تأکید می‌شود (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۴۹). همچنین وی فنگه، در دیدار خود با رئیسی در آوریل ۲۰۲۲ بیان داشت: «ارتش چین مایل است ارتباطات راهبردی با ایران را حفظ کند، از مکانیسم‌های همکاری به خوبی استفاده کند و همکاری‌های عملی را تقویت کند تا روابط نظامی دوجانبه را به سطح بالاتری برساند». پس از نشست فنگه با رئیسی، دو طرف در مورد گسترش ارتباطات راهبردی در سطح بالا، تعمیق تبادلات نظامی و انجام تمرین‌های مشترک و آموزش‌های پرسنلی به توافق رسیدند (Caiyu And Yuandan, 2022: 5). همکاری نظامی ایران و چین به پکن این فرصت را می‌دهد تا در منطقه غرب آسیا که برای دهه‌ها حوزه نفوذ ایالات متحده بوده است، حضور و نفوذ گسترده‌ای پیدا کند. حمایت از نشست عادی کمیسیون مشترک همکاری‌های صنایع دفاع ملی، برگزاری رزمایش‌های مشترک دریایی، زمینی و هوایی و گسترش همکاری‌ها در حوزه فناوری و صنایع دفاعی به منظور تولید مشترک تجهیزات نظامی؛ از جمله مواردی بوده است که دو کشور ایران و چین در سال‌های اخیر با یکدیگر همکاری نظامی داشته‌اند (Ghorbani And others, 2021: 302)؛ که این امر به طریقی سازنده، حضور و نفوذ ایران را به‌عنوان یک قدرت نظامی منطقه‌ای در خاورمیانه، به‌ویژه در عرصه ضد دسترسی، تسهیل و گسترده نموده است و بر قدرت و توان بازیگری تهران در عرصه منطقه و بین‌الملل افزوده است. این امر می‌تواند به شکل‌گیری معادلات و توازن قدرت در راستای تأمین اهداف و منافع منطقه‌ای ایران و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در غرب آسیا کمک کند.

عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری اتحاد راهبردی میان ایران و چین

اگرچه دو کشور ایران و چین گام‌های بلندی برای توسعه روابط و همکاری‌های دوجانبه برداشته‌اند، اما در این بین، عوامل و متغیرهای تأثیرگذار داخلی و خارجی مانع از تعمیق بیشتر همکاری‌های دو کشور و راهبردی شدن روابط تهران و پکن شده است. همواره یکی از دیدگاه‌ها در سیاست خارجی ایران مربوط به

گروهی است که تعامل با غرب را مهم‌ترین محور سیاست خارجی ایران می‌دانند. این گروه معتقدند؛ با توجه به عوامل مختلف از جمله شرایط ژئوپلیتیک ایران و امکانات و توانمندی‌های غرب، این دو بازیگر به‌طور بالقوه متحد استراتژیک محسوب می‌شوند. از این دیدگاه تعامل با کشورهای شرقی فقط می‌تواند تابعی از رویکرد اصلی ایران به سیاست خارجی، نسبت به غرب تلقی شود؛ زیرا رابطه تهران با شرق، فارغ از ارتباط با غرب، فاقد پویایی لازم برای تبدیل شدن به یک رابطه معنادار و راهبردی است. به عبارت دیگر، رابطه با شرق فقط می‌تواند مکمل رابطه با غرب باشد و نه جایگزینی برای آن (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۷۲). از این رو اگرچه سیاست نگاه دولت‌مردان ایران به شرق، زمینه نزدیکی و همکاری بیشتر تهران با پکن را فراهم می‌کند، اما تأثیرگذاری و حاکم شدن رویکردهای غرب‌گرایانه بر ساختار سیاست خارجی ایران باعث شده است تا یک رابطه استراتژیک میان ایران و چین شکل نگیرد. از دیدگاه نئورئالیست‌ها، دولت‌ها در سیستم آنارشیک بین‌المللی همواره از چگونگی توزیع عواید ناشی از همکاری نگرانند و می‌ترسند که دیگران بیشتر از آنها از همکاری سود ببرند. بنابراین به رغم آنکه ممکن است، دستاوردهای مطلق ناشی از همکاری، زیاد باشد؛ اما برای آنها آنچه اهمیت دارد دستاورد نسبی است که اگر به زیان آنها باشد؛ مانع از همکاری یا تداوم آن خواهد شد (بیگدلی و خبیری، ۱۳۹۶: ۱۲ - ۱۱). در این میان، نقش آمریکا در روابط ایران و چین یکی از عواملی است که از دوران بعد از انقلاب تا به امروز به شکل مانعی جدی فراروی تقویت همکاری‌های تهران و پکن بوده است. حجم بالای مبادلات تجاری و مالی میان آمریکا و چین و نفوذ گسترده ایالات‌متحده در نظام بین‌المللی، مؤلفه آمریکا را همواره برای چینی‌ها مهم ساخته است؛ به‌گونه‌ای که در شرایط مشخص و تحت فشارهای آمریکا بعضاً چینی‌ها منافع کم و کوتاه‌مدت ناشی از روابط اقتصادی با ایران را بر روابط گسترده اقتصادی با آمریکا ترجیح داده‌اند (Hunter, 2010: 125). بی‌شک فشارهای ایالات‌متحده و تشدید فضای تخاصم و تنش در روابط ایران و ایالات‌متحده، مهم‌ترین عوامل وقوع چنین وضعیتی است. روابط همکاری‌جویانه چین با قدرت‌های غربی و به خصوص ایالات‌متحده، محدودیت‌های مهمی در روابط ایران و چین ایجاد می‌کند. در این راستا، مقامات آمریکایی از جمله رابرت زولیک^۱، مسئول نخستین دور گفت‌وگوهای راهبردی آمریکا و چین، بارها به صورت رسمی به مقامات چینی هشدار داده‌اند که اگر در پی توافق بر سر انرژی با کشورهایی نظیر ایران برآیند، تعارض بیشتری میان دو کشور رخ خواهد داد. بر این اساس، چین تاکنون بارها توافقی‌های خود با ایران را تحت فشار سنگین مقامات آمریکایی و الزامات هژمونی آمریکا در منطقه و جهان به حالت تعلیق درآورده است که از آن میان می‌توان به توقف نسبی همکاری‌های نزدیک هسته‌ای و موشکی با ایران از سال ۱۹۹۷ اشاره کرد. مقامات چین همچنین با ایجاد محدودیت‌های

1. Robert Zoellick.

بانکی برای ایران به صراحت اعلام داشته‌اند که «ادامه همکاری‌های اقتصادی ایران و چین منوط به این است که ایران مشکل خود را با آمریکا حل کند» (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰: ۹۴ - ۹۳). فشارهای آمریکا در چند سال اخیر به پکن، در حوزه موضوع هسته‌ای ایران باعث شده تا در نتیجه همراهی پکن با غرب در اکثر قطعنامه‌های ضد ایرانی، روابط تهران - پکن بیشتر به حوزه اقتصادی سوق داده شود که از این جهت در شرایط تحریمی ایران، زمینه برای بهره‌برداری یک‌سویه پکن فراهم شده است. لذا همکاری چین با غرب در حوزه امنیتی و همکاری یک‌سویه با ایران در زمینه اقتصادی، نوعی محافظه‌کاری را بر الگوی رفتاری پکن حاکم کرده است و همین موضوع شرایط را برای ارتقای روابط میان ایران و چین در سطح فراگیر، به مراتب دشوارتر کرده است (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۱ - ۱۰۰).

رژیم صهیونیستی، دیگر بازیگر تأثیرگذار در روابط استراتژیک ایران و چین محسوب می‌گردد. اگر فاکتور اسرائیل در ناکامی و یا تضعیف روابط راهبردی - دفاعی چین با ایران به اندازه متغیر آمریکا نباشد، کمتر از آن نیست؛ چرا که تقویت مناسبات با اسرائیل، جایگاه ویژه‌ای در تصمیم‌گیری‌های راهبردی چین در منطقه خاورمیانه دارد، اما به جهت اهمیت حفظ روابط با کشورهای اسلامی، اخبار و گزارش‌های آن در رسانه‌های چین انعکاس چندانی نمی‌یابند. عموماً، دامنه همکاری چینی‌ها با اسرائیل، حوزه‌های متعددی را در بر می‌گیرد و ابعاد آن طیف وسیعی از موضوعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و به‌ویژه نظامی - امنیتی را شامل می‌شود. یکی از مهم‌ترین بخش‌های همکاری گسترده پکن - تل‌آویو، همکاری‌های نظامی و انتقال تکنولوژی اسرائیل و کشورهای غربی به چین است (Katz And Bohbot, 2017). اسرائیل نیز مانند آمریکا، برای مدیریت روابط چین با ایران از ابزار تایوان و اخیراً ویتنام استفاده می‌کند. بهره‌برداری چین از لابی و نفوذ اسرائیل در واشنگتن، ضمن کاهش همکاری‌های مؤثر و تعیین‌کننده دفاعی - راهبردی این کشور با ایران، تأثیر به‌سزایی در بهبود روابط پکن - واشنگتن خواهد داشت (غلامی، ۱۳۹۸: ۲۴۱ - ۲۴۰). سطح روابط چین و اسرائیل به سرعت در حال گسترش به حوزه‌های موضوعی مختلف است. اهمیت این روابط برای اسرائیل تا جایی ارتقاء یافته که چین به بزرگترین شریک تجاری اسرائیل در آسیا و دومین شریک بزرگ آن در جهان پس از ایالات متحده تبدیل شده است. بدین ترتیب، وابستگی چین به فناوری‌های نظامی اسرائیل و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پکن - تل‌آویو اثرات محدود کننده‌ای بر ارتقای سطح روابط ایران و چین دارد.

فعالیت و لابی کشورها و رقبای منطقه‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ یا کشورهای در حال ظهور در جهت جلوگیری از افزایش توان استراتژیک و دیپلماتیک ایران یکی از مهم‌ترین موانع فراروی اتحاد استراتژیک ایران و چین است. در این زمینه، بعد از گسترش روابط ایران و چین به‌ویژه وابستگی متقابل از آغاز هزاره

جدید، عربستان سعودی برای جلوگیری و ایجاد اخلال در روابط ایران و چین تلاش‌های پیوسته‌ای را در پیش گرفت؛ به‌گونه‌ای که بسیاری دیدار ملک عبدالله، پادشاه پیشین عربستان، در ژانویه ۲۰۰۶ میلادی، از پکن و متقابلاً دیدار هو جین تائو^۱، رئیس‌جمهور سابق چین، از ریاض، در همان سال را نشانه‌ای از این فعالیت دیپلماتیک عربستان برای جلوگیری از همکاری‌های گسترده چین با ایران می‌دانند. بنا بر گزارش برخی از منابع، مهم‌ترین خواسته مقامات سعودی از چین کاهش همکاری‌های پکن با تهران بوده و توجه آنان نیز که بی‌تردید تحت فشار آمریکا قرار داشت؛ اشاره به تهدید بالقوه ایران برای ثبات منطقه‌ای و بر هم زدن توازن است که امنیت انرژی را تأمین می‌کند. از این رو، پیشنهاد اعراب به‌ویژه عربستان برای جبران کاهش احتمالی واردات نفت از ایران به مقامات چینی، یکی از موارد تشویقی سعودی‌ها برای تحریک چین در نظر گرفته می‌شود (Hunter, 2010: 125 - 126). از طرفی، گسترش حوزه نفوذ ایران در جنگ یمن تا خلیج‌عدن و دریای سرخ تا حدودی باعث نگرانی دولت چین برای تضمین امنیت دریایی جاده ابریشم شده است. بنابراین، دولت‌مردان پکن تصمیم گرفتند؛ تا همگام با عربستان، از دولت در تحریم یمن حمایت کنند و اولین پایگاه دریایی برون‌مرزی را با همکاری عربستان در جیبوتی احداث نمایند که از لحاظ راهبردی در خلیج‌عدن و دریای سرخ بسیار حائز اهمیت است. در این میان، عقد توافق‌نامه احداث کارخانه پهناسازی در عربستان میان «شرکت دولتی علم و فناوری هوافضای چین» با همکاری «مرکز علوم و فناوری ملک عبدالعزیز» نشانه دیگری از تمایل پکن و عربستان برای توسعه همکاری راهبردی با هدف کنترل اقدامات ایران در کریدور خلیج‌عدن و دریای سرخ و نیز ایجاد تغییرات اساسی در ترتیبات امنیتی خاورمیانه است. بنابراین، مقامات عربستان با ایجاد وابستگی با چین، روابط تهران - پکن را در حد توان تعدیل می‌کنند (رضائی و وثوقی، ۱۳۹۶: ۳۷). بنابراین از دیدگاه نئورئالیست‌ها، دولت‌های موجود در سیستم آنارشیک بین‌الملل، واحدهای عقلانی محسوب می‌شوند که در عین حال که درصدد حداکثرسازی منافع خود می‌باشند؛ در جستجوی بقای خود نیز می‌باشند. لذا فرایند همکاری در چنین سیستمی به واسطه مشکلاتی از جمله، معمای زندانی با شکست مواجه می‌شود؛ زیرا دولت‌ها نگران تقلب سایر طرف‌های همکاری می‌باشند.

نتیجه

ایران و چین به‌عنوان دو دولت تجدیدنظرطلب در عرصه سیاست بین‌الملل، نگرش مشترکی نسبت به نظام بین‌الملل دارند. هر دو با نظام سلطه مخالف هستند و از نظام چندقطبی حمایت می‌کنند؛ چرا که هر دو در یک نظام چندقطبی آزادی عمل بیشتری خواهند داشت و دارای یک سری هم‌پوشانی منافع هستند. با توجه به اقتصاد روبه رشد چین و در عین حال، مزیت‌های قابل توجه ایران در حوزه انرژی، به نظر می‌رسد نقش

1. Hu Jin Tao.

ایران در تأمین نیازهای انرژی چین در سال‌های آتی، مهم‌تر و راهبردی‌تر خواهد شد که این امر می‌تواند ثبات و تضمین دسترسی مطمئن و مداوم به منابع انرژی را برای چین تأمین کند. همچنین در دو دهه اخیر روابط نظامی ایران و چین رونق گرفته و در نتیجه می‌توان از تهران به‌عنوان دریافت‌کننده اصلی سلاح‌های چینی نام برد. نخبگان سیاسی چین به‌دنبال تعمیق سطح همکاری تسلیحاتی با ایران بودند تا فشار بر ایالات متحده را افزایش دهند و به‌دنبال آن، توجه جامعه جهانی را از خود منحرف کنند. بر این اساس، نظریه نئورئالیسم بیان می‌دارد که دولت‌ها سعی دارند با بهره‌گیری از ابزارهای داخلی و خارجی حداکثر منافع خود را تأمین کنند. دولت‌ها زمانی دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند که موازنه در مقابل تهدید را ضروری احساس کنند و بدین ترتیب، در راستای منافع مشترک گام بر می‌دارند. با این حال می‌توان گفت؛ در سال‌های اخیر سطح و گستره تعاملات نظامی و تسلیحاتی چین با ایران به دلایلی کاهش یافته است. از جمله عوامل موجود، عدم تمایل پکن به محدود کردن روابط خود با ایران و در نتیجه اجتناب از خصومت با سایر شرکای منطقه مانند: عربستان سعودی، اسرائیل و امارات متحده عربی است. علاوه بر این، تحریم‌های غرب علیه ایران به‌عنوان یکی دیگر از موانع مهم تلقی می‌شود که مانع از تعمیق بیشتر روابط بین پکن و تهران شده است. در نتیجه با توجه به همراهی چین با آمریکا در صدور قطع‌نامه‌های متعدد علیه برنامه هسته‌ای ایران و از سویی، روابط گسترده پکن با اسرائیل و عربستان سعودی در کنار تأثیرپذیری ساختار سیاست خارجی ایران از رویکردهای غرب‌گرایانه، نمی‌توان متصور شد که همکاری‌های ایران و چین از حدود و ثغور مشخصی فراتر روند. از این‌رو، نئورئالیست‌ها معتقدند که در نظام آنارشیک بین‌الملل، امکان همکاری بسیار محدود است. با وجود اینکه دولت‌ها ممکن است از همکاری و همگرایی، سود اقتصادی ببرند؛ اما عواید اقتصادی، تحت‌الشعاع منافع سیاسی قرار می‌گیرد. از سویی، همچنان که چین در شرایط تحریم می‌تواند، خریدار خوبی برای نفت ایران باشد، همکاری‌های هسته‌ای این کشور و کمک به توسعه صنعت هسته‌ای ایران، ضمن خنثی‌سازی تحریم‌های بین‌المللی آمریکا و غرب علیه ایران، همچنین، کمک شایانی به جلوگیری از تضعیف و انزوای منطقه‌ای تهران خواهد کرد. ایران نیز می‌تواند از تقابل آمریکا و چین، به صورت آشکار یا پنهان، در مسئله حمایت چین از محور مقاومت در سوریه نیز بهره‌بردار و منافع ایدئولوژیک خود را نیز پیگیری نماید. به نظر می‌رسد؛ عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و خروج آمریکا از منطقه خلیج فارس می‌تواند نقاط عطفی در بهره‌مندی جمهوری اسلامی از حضور فعال چین در منطقه خلیج فارس باشد.

منابع و مأخذ

۱. آدابی، محمدرضا و داود کیانی، ۱۳۹۷، «جایگاه غرب آسیا در سیاست خارجی چین (۲۰۱۷-۲۰۰۸)»،

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۰، ش ۱، ص ۱۹۴ - ۱۶۳.

بررسی ابعاد همکاری‌های ایران و چین و دلایل عدم شکل‌گیری روابط استراتژیک میان طرفین □ ۱۴۹

۲. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، ۱۳۹۴، «روابط ایران و چین در دوره احمدی‌نژاد: سیاست نگاه به شرق و تأثیرات ساختاری»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال ۸، ش ۳۲، ص ۴۱-۹.
۳. اصل جوادیان، محمدرضا؛ ارسلان قربانی شیخ‌نشین و سید علی طباطبایی‌پناه، ۱۴۰۱، «تأثیر سیاست‌های دونالد ترامپ بر جایگاه رؤیای آمریکایی»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۴، ش ۵۰، ص ۷۸-۹۴.
۴. بیگدلی، محمدرضا و کابک خیبری، ۱۳۹۶، «تأثیر سیاست خارجی دولت ترامپ بر مکانیزم امنیت دسته‌جمعی»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دهم، ش ۴۰، ص ۳۷-۹.
۵. پوراحمدی میدی، حسین و نعمت پهلوانی، ۱۴۰۰، «رقابت‌های اقتصادی چین و ژاپن، فرصت‌های اقتصادی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ش ۱، ص ۳۲-۵.
۶. جانسیز، احمد و سعید پیرمحمدی، ۱۳۹۸، «تحلیل الگوی همکاری استراتژیک در روابط جمهوری اسلامی ایران و چین»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره هشتم، ش ۴، ص ۱۲۰-۹۳.
۷. حاجیلو، محمدحسین، ۱۳۹۶، «شکندگی همکاری در فضای هژمونیک و نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، سال ۱۱، ش ۳۸، ص ۸۸-۶۹.
۸. حامی کلوانق، ولی‌الله، ۱۳۹۰، «روابط ایران و چین قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۱.
۹. خواجه، محمد و سید یحیی صفوی‌همامی، ۱۴۰۰، «راهبردهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس»، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی*، دوره ۲۱، ش ۹۵، ص ۱۷۳-۱۴۷.
۱۰. درآینده، روح‌الله و حمید احمدی و کیهان برزگر و علیرضا موسوی‌زاده، ۱۳۹۸، «بررسی زمینه‌های همکاری و اختلاف جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، ش ۳۰، ص ۲۶-۱.
۱۱. رجانپوز، «هزینه‌تراشی ۲۰ میلیارد دلاری دولت روحانی با تخریب روابط نفتی ایران و چین / رکوردزنی صادرات نفت ایران به چین در دولت رئیسی»، ۲۱ تیر ۱۴۰۱، آدرس اینترنتی: <https://www.rajanews.com/news/359088/>
۱۲. رضائی، مسعود و سعید وثوقی، ۱۳۹۶، «سنجش روابط دفاعی ایران و چین در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۷، ش ۲۴، ص ۴۷-۲۳.

۱۳. سادات‌الوند، مرضیه و مهدیه حیدری، ۱۴۰۰، «واکاوی تهدیدات ژئواستراتژیک ایران در اتحاد راهبردی عربستان سعودی و چین»، *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، سال ۶، ش ۲۳، ص ۱۳۷-۱۱۸.
۱۴. سازمند، بهاره و فریبرز ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۴، «ایران، چین و چالش‌های فراروی همکاری‌های فراگیر»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۳، ش ۳، ص ۱۰۴-۸۳.
۱۵. سجادی‌پور، سید محمدکاظم و شهروز شریعتی، ۱۳۹۰، «گزاره ایران در روابط آمریکا و چین ۱۹۹۱-۲۰۰۹»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۷، ش ۲، ص ۱۰۴-۷۱.
۱۶. سلیمی، حسین و لیلا رحمتی‌پور، ۱۳۹۳، «بررسی مقایسه‌ای استراتژی انرژی چین و ایالات‌متحده آمریکا و تأثیر آن بر جایگاه خلیج فارس»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ۳، ش ۴۱، ص ۱۶۰-۱۲۹.
۱۷. شریعتی‌نیا، محسن، ۱۴۰۱، «عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای: پیامدهای امنیتی و اقتصادی»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۳، ش ۶۹، ص ۵۶-۳۵.
۱۸. شفیع‌ی، نوذر، ۱۴۰۱، «تحلیل توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین»، *فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، دوره ۵، ش ۱، ص ۲۰۰-۱۷۵.
۱۹. صادقی، سید شمس‌الدین، ۱۳۹۴، «امنیت انرژی چین و ژئواکونومیک انرژی ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دوره ۷، ش ۲۲، ص ۱۲۳-۸۵.
۲۰. علایی‌پور، فرشته و عبدالمحمد کاشیان، ۱۴۰۱، «تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری با چین»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال ۱۲، ش ۲۸، ص ۸۲-۵۷.
۲۱. غلامی، عباس، ۱۳۹۸، *همکاری دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین (راهبردها و زمینه‌ها)*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ج ۱.
۲۲. فتحی، فرحناز، ۱۳۹۹، «بررسی و تحلیل بایسته‌های رئالیسم تهاجمی با نگاه تطبیقی نظریه نواقعی‌گرایی»، *فصلنامه بین‌المللی قانون یار*، دوره ۴، ش ۱۵، ص ۸۵۳-۸۲۳.
۲۳. قربانی، وحید، ۱۴۰۰، «استراتژی امنیت انرژی معاصر چین در غرب آسیا»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۱۳، ش ۳، ص ۶۵۸-۶۲۷.
۲۴. گوهری‌مقدم، ابوذر و رضا انصاری‌بارده، ۱۴۰۰، «تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۱۳، ش ۲، ص ۲۳۱-۲۰۹.
۲۵. محمودی‌کیا، محمد، ۱۳۹۸، «سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین در پرتوی نظم نوین جهانی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۳، ش ۳، ص ۲۸-۱.

- ۱۵۱ □ بررسی ابعاد همکاری‌های ایران و چین و دلایل عدم شکل‌گیری روابط استراتژیک میان طرفین
۲۶. همشهری آنلاین، «عطوان: خاورمیانه‌ای جدید به رهبری ایران تشکیل شده است»، ۱۲ مهر ۱۳۹۸، آدرس اینترنتی: <https://www.hamshahrionline.ir/news/457463>
۲۷. هندیانی، عبدالله و اسماعیل افشاری‌اقدم، ۱۳۹۹، «همکاری دوجانبه ایران و چین و گسترش عمل‌گرایی اقتصادی بین آنها»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۱۰، ش ۱، ص ۹۷-۷۹.
۲۸. یاری، احسان و مرضیه عابدی، ۱۴۰۰، «گره استراتژیک چین در شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ امکان‌سنجی فرصت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۱۳، ش ۱، ص ۱۱۲-۷۷.
۲۹. یزدانی، عنایت‌الله و علیرضا اکبریان، ۱۳۹۱، «انرژی و روابط چین با خلیج فارس»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۲، ش ۲، ص ۳۳۴-۳۱۵.
30. Conduit, Dara And Shahram Akbarzadeh, 2019, "Great Power - Middle Power Dynamics: The Case of China and Iran", *Journal of Contemporary China*, 28 (117), p. 468 – 481.
31. Esfandiary, Dina Aand Ariane Tabatabai, 2018, "Moscow and Beijing Have Tehran's Back", *Foreign Policy*, available at: https://foreignpolicy.com/2018/07/25/moscow_and_beijing_have_tehransback/
32. Ghafouri, Mahmoud, 2009, "China's Policy in the Persian Gulf", *Journal of Middle East Policy*, Vol. 3, No. 2, p. 8092
33. Ghorbani, Vahid And Mostafa Pakdel Majd And Mehrdad Alipour, 2021, "An Analysis of China's Military Diplomacy towards Iran", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 12, No. 1, P. 279 – 305.
34. Harold, Scott and Alireza Nader, 2012, *China and Iran: Economic, Political, and Military Relations*, International Programs at RAND, Center for Middle East Public Policy, p. 1 – 48.
35. Hunter, Shirin T., 2010, *Iran's Foreign Policy in the Post - Soviet Era: Resisting the New International Orde*, Prager, p. 1 – 316.
36. Katz, Yaakov And Amir Bohbot, 2017, "How Israel Used Weapons and Technology to Become an Ally of China", *News Week*, available at: https://www.newsweek.com/china_israel_military_technology_beijing_jerusalem_saul_eisenberg_weapons_607117.
37. Liu Caiyu And Guo Yuandan, 2022, "Chinese Defense Minister's Iran trip to help lift military ties to 'unprecedented' level", *global times*, available at: <https://www.globaltimes.cn/page/202204/1260603.shtml>
38. Tashjian, Yeghia, 2022, "The Regional Implications of the Iranian President's Visit to Moscow", *Tashjian's Take*, available at: https://armenianweekly.com/2022/02/02/the_regional_implications_of_the_iranian_presidents_visit_to_moscow/
39. Waltz, Kenneth N., 2010, *Theory of International Politics*, Waveland Press, p. 1 - 256.
40. Wuthnow, Joel, 2016, "Posing Problems without an Alliance: China - Iran Relations after the Nuclear Deal", *Strategic Forum*, No. 290, p. 1 - 12.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی